

۹۶۷

۴۵۸

از یارهای شایسته میگذرد

بیشتر زنی چون حکایت میکنند

زندگی نامه

دکتر اسفندیار یگانگی

شعر که هر درخشانتر نخواهد شد

بمناسبت اولین سالروز

درگذشت آن

رادمرد نی کوکار



بشنو از نی چون حکایت می کند
از جدائی ها شکایت می کند



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

زندگی نامه شادروان دکتر اسفندیار یگانگی

شمعی که هرگز خاموش نخواهد شد

بمناسبت اولین سالروز درگذشت

آن رادمرد نیکوکار





آخرین عکس شادروان دکتر اسفندیار یگانه‌گی

مرحوم آیت الله بروجردی مرجع تقلید شیعیان
رحمة الله علیه نماینده ای از محضر شریف خود بخدمت
روانشاد دکتر اسفندیار یگانگی فرستاد و تقاضای حفر
يك حلقه چاه عمیق برای آستانه بلند پایه دختر مطهر موسی بن
جعفر سلام الله علیها نمود .

اسفندیار یگانگی پس از حفر این چاه پربرکت از
پذیرفتن پول چاه خودداری کرد و مرحوم آیت الله بروجردی
فرمودند اسفندیار یگانگی یکی از مسلمانان واقعی و افتخار
عالم زرتشتی است .

۱- کودکی

به سال ۱۲۸۷ شمسی در یزد، میان خاندانی مؤمن به آئین زرتشتی فرزندی زاده شد که نامش را اسفندیار نهادند.

پدرش روانشاد بهرام اردشیر یگانگی و مادرش شادروان مروارید بود. این خاندان اصیل ایرانی بیش از هر موردی، وابسته به آئین زرتشتی بودند. آیینی که هزاران سال حفظ و صیانت شده بود و شادروان دکتر اسفندیار یگانگی همیشه تأکیدی در این مسأله داشت.

دو برادر داشت که پدر و مادر با اصرار، اصول اتحاد و پیوستگی و همدستی و همدستانی را با مبانی دینی و شاه دوستی و میهن پرستی به آنان می آموختند. همین اتحاد و یگانگی و پیوستگی موجب پیشرفت و پیشبرد اهداف انسان دوستانه آنان شد. یکی از برادران در رشته صنعت و دیگری در امر ترانسپورت و اسفندیار در زمینه آبیاری به شهرت رسیدند.

دوران تحصیلات ابتدائی را در بستان دینیاری یزد گذراند. اما یزد آن روز، جایی برای پیشرفت آنان و پاسخ گوی آرزوهای بزرگشان نبود. بهمین جهت در حدود افزون از نیم سده قبل باتفاق خانواده اش به تهران آمد.

۲- دوران دبیرستان و دانشگاه

پس از به پایان رساندن دوره دبستان، به اتفاق خانواده، به وسیله درشکه از طریق حاشیه کویر به تهران آمد. دوره دبیرستان را ابتدا در مدرسه آمریکایی و پس از آن در کالج به پایان رسانید.

اینک اسفندیار در حدود بیست سال داشت. آغاز جوانی و بحبوحه زندگیش بود. شور تحصیل علم داشت. از همان آغاز به مسأله‌ی انسانی می اندیشید. هدفش خدمت به مردم بود. چه کند تا با کامیابی به این مهم زندگانی جامه عمل پوشاند؟ به همین جهت، بی آنکه راهی یافته باشد، وارد دانشکده علوم شد.



شادروان اسفندیار یگانگی در مراسم حفر اولین چاه عمیق در ایران



روانشاد دکتر اسفندیاریگانی هنگامی که برای ادامه تحصیل عازم آمریکا بود

هدف بایستی خود بخود و بر اثر چند تصادف و رویداد کوچک پیش پایش گذاشته می شد. دوران دانشکده نیز با موفقیت به پایان رسید و به درجه B. A در رشته علوم نایل شد. اینک اسفندیاری جوان و پر شور را در آن ایام با توجه به تصاویرش می توان در نظر مجسم ساخت. بیست و اندی از سالیان عمرش سپری می شد. گندم گون و چهره یی معصوم با چشمانی که گیرا و دوست داشتنی و نفوذ کننده بود. اندام متناسب و قدی کشیده و باریک میان داشت. موهایش پر، سیاه و تاب دار بود. به شیوه روز، لباس می پوشید. و سرانجام برای اندوختن دانشی که بتوان پشتوانه زندگی ساخت، راهی سفر فرنگ شد.

۳- سفر خارج و کسب عنوان دکتری

به سال ۱۹۳۰ میلادی بار سفر بست و راهی آمریکا شد. رشته اقتصاد را برگزیده بود، چرا؟ آیا هدفی مشخص کرده بود؟ گمان نمی رود. نه، هنوز هدف انسانی اش را نیافته بود.

در دانشگاه بزرگ و مشهور کلمبیا به تحصیل در رشته اقتصاد پرداخت.

این دوران چهار سال به درازا کشید. پس از چهار سال رساله ممتازی به عنوان پایان نامه نوشت که در نوع خود بی نظیر است و هنوز پس از گذشت سالیان در از مورد توجه بوده و در بسیاری نکات بدیع و نظرات شایان توجه را واجد است.

RECENT FINANCIAL AND MONETARY HISTORY OF PERSIA

BY

ESFANDIAR BAHRAM YAGACEGI

SUBMITTED IN PARTIAL FULFILLMENT OF THE REQUIREMENTS
FOR THE DEGREE OF DOCTOR OF PHILOSOPHY IN

THE DEPARTMENT OF ECONOMICS,

COLUMBIA UNIVERSITY,

1934

NEW YORK, NEW YORK

« صفحه نخست کتابی که در باره امور مالی جدید ایران
با انگلیسی بقلم روانشاد دکتر اسفندیار یگانگی نوشته شده است »

در سال ۱۹۳۴ میلادی فارغ التحصیل شد و موفق به اخذ درجه دکترا با
درجه P. H. D گشت. شور دیدار میهن و خانواده موجب شد تا به ایران بازگردد.
اسفندیار مردی نبود که ظواهر فریبنده غرب وی را گرفتار و پای بند سازد. شور
و شوقی در دل داشت. فقط بیک چیز می اندیشید: خدمت به مردم، بهترین
راه خدمت.

به همین جهت پس از پایان دانشگاه، به سال ۱۹۳۴، راهی دیار ایران شد. مقدمش
گرامی بود و به جنب و جوش و راهیابی پرداخت.

۴- خدمت نظام

چند سالی به اتفاق پدر و برادران به کار پرداخت. هنوز هدف و راهش را نیافته بود تا باستقلال به فعالیت پردازد. به همین جهت ترجیح داد که برای مدتی محدود با اشتراك در کار و حرفه خانوادگی شرکت جوید.

چند سالی سپری نشده بود که به خدمت نظام رفت. دو سال نظام وظیفه برایش گرانبار از کار و کوشش بود. خدمت به میهن وی را لبریز از احساساتی می کرد که دل هر ایرانی اصیل و شریف کانون آن است.

در دانشکده افسری مدتی از این دو سال سپری شد و با درجه ستوان سومی آن زمان، سپری گشت. اما سرانجام این دوران نیز سپری شد. لازم بود بکوشد، بیندیشد و گمگشته اش را بیابد.

۵- بنیانگذاری مؤسسه آبیاری

چنانکه گذشت به سال ۱۹۴۴ میلادی به ایران بازگشت و چند سالی با پدر و برادران مشترکاً به کار و فعالیت پرداخت. دکتر اسفندیاریگانگی آزاد مردی بود که نمی توانست خود را با محیط اداری وفق دهد و به کار دولتی تن در دهد. نمی خواست محدود و مقید باشد. می خواست در میدان وسیع اجتماع سازنده و منشأ اثر باشد بر آن بود تا در دوران سازندگی ایران نوین گام های بزرگ و مؤثر بردارد. هدفش خدمت به مردم بود. همه هم و غم خود را به این بسته بود که اثرات شادمانی و رضایت مردم را در چهره هایشان بنگرد تارضایت حاصل کند.

۷- اقدام به تهیه وسایل حفر چاه

در اواخر جنگ با جدیت و کوشایی اقدام به تهیه وسایل و ادوات حفر چاه عمیق کرد. کلیه لوازم اولیه لازم را برای حفر يك چاه، به بهترین شیوه یی فراهم آورد.



زندگی نامه

هنگامی که بزرگ مردی زندگی را وداع می گوید ، چه بسیارند کسانی که با دریغ و افسوس از فقدانش سخن می گویند و تأسف و تحسرمی برند . اما در این مواقع در مجاورت افراد و یادکردها ، بسیار اندك و ناچیز اتفاق می افتد که درباره زندگی روزمره و رویدادهای سفر و حضرو ماه و سال وی سخن در میان شود . بلکه همه آن چه که هست از خلق و خوی و اندیشه های اجتماعی ، دین و آیین ، راستی و درستی ، داد و دهش ، مردمی و مردم پروری گفت و گومی شود . دکتر اسفندیار یگانگی از تمام این همه مواهب برخوردار بود و صفات و اخلاق و کردارش همگان را آشکارا بهره داشت . لیکن براساس سنن و مبنای آیین ، کوتاه مقالی نیز درباره زندگی اش قلمی می شود ، باشد کسانی نیز باشند که در این باب خواهان آگاهی هایی شوند .

(می گویند معلمین ناپلئون بناپارت در کارنامه تحصیلی وی نوشته بودند اگر این مرد با این استعداد در ارتش فرانسه داخل شود یکی از نوابغ نظامی فرانسه خواهد شد).

استعدادیابی در کلاسهای تحصیلی دانشگاههای کشورهای متمدن از مدت‌ها پیش در دانشگاههای فرانسه و انگلستان و امریکا بصورت عملی در آمده و امروز در کشور ما با ایجاد کلاسهای راهنمایی و دبیرستانهای راهنمایی همان متد عالی آموزشی را اجرا می کند.

جستجو، کاوش و ابتکار

اسفندیار یگانه کیست که در پی گم گشته خویش بود و همچون عاشقی که معشوق خویش را قدم به قدم و ساعت بساعت تعقیب می کند و شب و روز با خیال محبوب خود بسر می برد و هیچگاه از فکر معشوق خارج نمی شود. اسفندیار از فکر مقصود خویش خارج نمیشد، او چه گم کرده ای داشت و معشوقش که بود و محبوبش چه بود



شادروان اسفندیاریگانه با لباس مخصوص نظام در دانشکده افسری

کسی نمی فهمید ولی یعقوب صفت روز و شبان در جستجوی یوسف گمگشته خویش بود، اسفندیار نمیخواست پشت میز نشین باشد او آزاده بود، آزاد مردان هیچوقت تن بشغل و کاری که آزادگی و آزادی را از آنها سلب کند نمی دهند. ولی میخواست بنیانگزار خدمتی بزرگ بهمین مقدس خویش باشد از اینرو پس از اتمام تحصیلات عالی دانشگاه کلمبیا در امریکا در رشته علوم مالی و اقتصادی تحصیلات خود را ادامه داد و در سال ۱۹۳۴ میلادی موفق به اخذ درجه دکترا P. H. D. گردید همانطوری که اشاره شد خدمت نظام وظیفه خود را با اشتیاقی فراوان و شور و شغف مخصوصی پایان رسانید ولی باز از فکر عالی خویش خارج نشده است.

شیرینکاریهای طبیعت و پیش آمدهای ناگهانی

خداپرستی و پی بردن بعظمت خدای بزرگ را پیغمبران یا بوسیله وحی و الهام و یا از حرکات و رفتار حشراتی چون زنبور عسل - مورچه و لانه ساختن بلبل و پرندگان دیگر آموخته اند. نویسندگان و شعرا را يك خاطره حساس و يك منظره بدیع یا يك نهضت و پیش آمد پر شور و جالب و ادار به نوشتن کتب و داستانهای جالب ساخته است و بدون شك کلیه نوابع و مخترعین بر اثر يك جهش یا يك تجربه از مشاهدات خویش دست بااختراعات و ابتکارات بی سابقه زدند چنانچه تکانهای شدیدی که با قدرت بخار در قوری را بحرکت در میاورد و ات را با اختراع ماشین بخار نایل ساخت.

۶- تضاد فی کوچک و نیل به هدف

دو تضاد کوچک در مسیر زندگی موجب شدند تا اسفندیار جوان و طالب خدمت و نام، هدف و نیل به هدف را راهجویی کند. این همه، آن چه که گذشت و مطالبی که در پی است، از گفتار و کلام گرم و گویای خود وی می باشد.

هنگامی که از نیویورک به غرب امریکامی رفت، بایک خانواده کشاورز آمریکایی آشنا و دوست شد.

از سوی این خانواده به کلورادو دعوت شد. آنان در شهر مذکور مزرعه‌یسی داشتند. شیوه‌آبیاری مزرعه بسیار توجّش را جلب کرد. آبیاری مزرعه‌ی بی‌بزرگی تنها از دهانه يك چاه بود. هنگامی به آن چاه می‌نگریست در شگفت بود که از چاهی به آن کوچکی چگونه این همه آب بیرون می‌تراود.

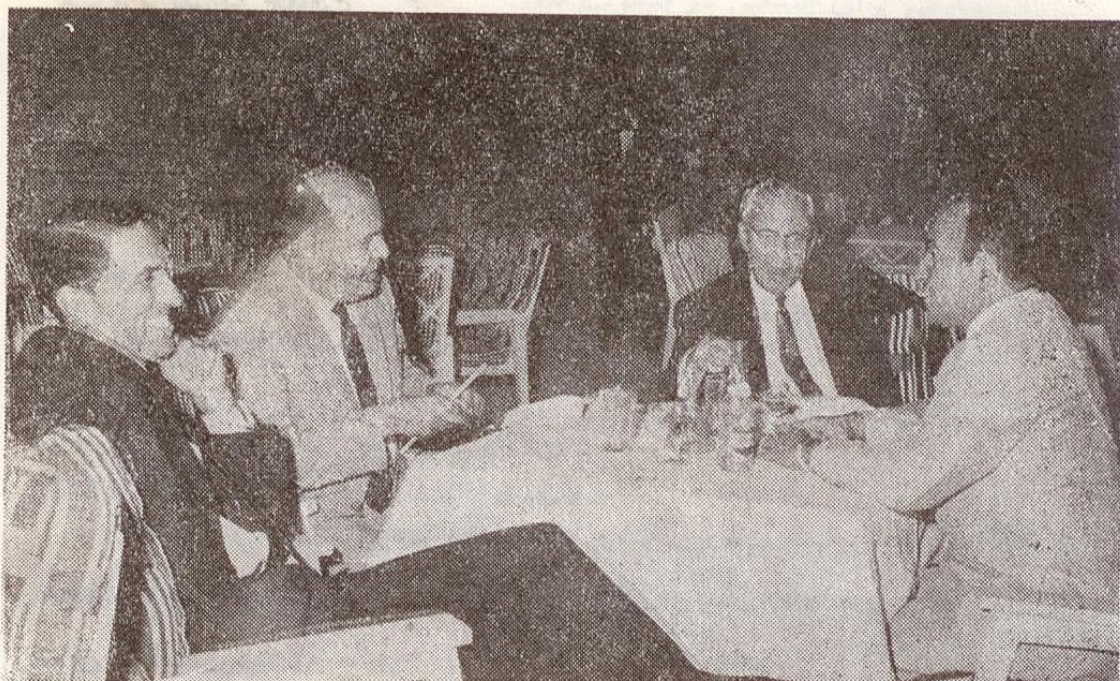
ناگهان نوری در زوایای مغزش جهید و درخشیدن گرفت. مناظر کناره‌کویبر را پیش چشم مجسم ساخت بی‌آبی مفرط حاشیه‌کویبر، خشکی و کمبود آب در یزد و شهرهای دیگر، ناراحتی و درماندگی دهقانان، شیوه‌آبیاری ابتدایی و ناقص در روستاها و میان کشاورزان سیه چرده و مفلوک، مناظری بودند که از برابر دیدگانش رد می‌شدند.

هنگامی که در ایران پس از بازگشت در پی یافتن راهی جهت خدمت بهتر و ارزنده‌تر بود، ناگهان خانواده‌کلورادویی و مزرعه‌آنان و چاه عمیق و شیوه‌آبیاری آن مزرعه را بیاد آورد.

دگر باره آن پرتو درخشان که در ژرفای فکرش مترصد جهش بود، درخشید اسفندیار حالا دیگر يك پارچه شور و شوق بود. وجودش چون آتشی گداخته بود و آنرا خاموش نمی‌کرد مگر آنکه چنان شیوه‌ی را در ایران رواج دهد. در خرداد سال ۱۳۲۳، نخستین چاه عمیق در ایران به همت دکتر اسفندیاریگانگی حفر شد. تصادف كوچك دیگری موجب شد تا وی به نحو مطلوب‌تر و شایسته‌تری به هدف خود برسد.

گشایش چاه کاخ فیروزه

یکی از کارکنان ارتش آمریکا به نام «جک ریشارد» که دوران خدمتش تمام شده بود، در همدان در يك اردوی نظامی چاهی عمیق حفر کرده بود. دکتر یگانگی با وی طرح دوستی انداخت و وی را به استخدام خودش درآورد. تجربه و تبحر و کار آزمودگی این مهندس آمریکایی به زودی نتایج شگرفی بیارآورد.



شادروان دکتر یگانگی با کاشف کور تیزون دانشمند آمریکائی مشغول مذاکره هستند

اکنون که بیست و هفت سال از آغاز فعالیت این رادمرد از دست رفته میگذرد
متجاوز از ۲۵۰۰ چاه عمیق و قابل بهره برداری در سراسر ایران بزرگ بهمت توانای
وی زده شد که زمین‌ها و کشتزارهای فراوانی را سیراب می‌سازد.
در این زمان آن دستگاه نخست توسعه شگرفی یافته است و جایی در ایران
نیست که از برکت این چاه‌ها بی بهره و نصیب باشد.



۸- بزرگترین خدمت

در واقع این بزرگترین خدمتی بود که يك ایرانی اصیل و شریف میتواند انجام دهد. دکتر یگانگی چه خوب به هدف انسانی اش ذیل همتی والا دست یافت. درسازندگی ایران نوین که همواره آرزویش آن بود که بتواند دین خود را ادا نماید، چه نیکو به ادای دین پرداخت.

با سرمایه خصوصی که پشتوانه آن همتی بلند و روحی بزرگ بود، بدون هیچ گونه کمک هزینه، ازدولت، شالوده‌یی پی‌ریزی کرد که همواره نامش با اوراق زرین ایران نوین همراه است.

اینک فرزندان لایق و سزاوارش، این رشته از دست هشته را بدست دارند. امیدواریم چون پدر بزرگوار خود، در اهداف انسان دوستانه و خیرخواهانه‌شان موفق و کامیاب باشند.

ما به‌روان پرگشای گرزمان نشین دکتر اسفندیاریگانگی درود می‌فرستیم. ما افتخار نامش را در نسل‌ها زنده نگاه داشته و همواره بدان مباهی می‌باشیم.

۹- نماینده مجلس شورای ملی

فعالیت‌های سیاسی دکتر اسفندیار یگانگی از دوره بیستم مجلس شورای ملی شروع شد. تا آن هنگام آقای رستم‌گیو، رادمرد نیکوکار، از سوی زرتشتیان سمت نمایندگی داشت. اما چون به فرمان شاهنشاه به سمت سناتوری برگزیده و مفتخر شدند، جماعت ما، شایسته‌تر و لایق‌تر و سزاوارتر از اسفندیار یگانگی کسی را نشان نداشت.

به‌همین جهت نامزد این مهم شد و با آرای بسیار قابل ملاحظه در دوره نوزدهم به سمت نمایندگی به مجلس شورا راه یافت.

شخصیت شخیص، مهربانی و خلیقی، خیرخواهی و بخشندگی، علو طبع و مردم دوستی اش آن اندازه بود که در همین دوره اخیر، با اکثریت قریب به اتفاق آرا

به نمایندگی برای چندمین بار منسوب شد.

روز چهاردهم مهرماه سال ۱۳۵۱، در جلسه شصت و ششم، پس از انجام مذاکرات. آقای عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی درگذشت شادروان دکتر اسفندیاریگانگی را اعلام کردند و پس از ایراد بیاناتی به احترام درگذشته فقید يك دقیقه سکوت برقرار شد.

اینك مطالب رئیس مجلس را كه از «صورت مشروح مذاکرات مجلس، روز چهاردهم مهرماه ۱۳۵۱» نقل شده برای آگاهی می آوریم :

بیانات آقای رئیس مجلس شورای ملی دایر بابر از تأثر و تأسف از درگذشت شادروان دکتر اسفندیاریگانگی و اجرای يك دقیقه سکوت

رئیس - بطوریکه نمایندگان محترم اطلاع پیدا کرده اند در خلال آخرین روزهای تعطیلات تابستانی مجلس شورای ملی، یکی از گرامی ترین و عزیزترین همکاران ما داعی حق را لبیک گفت و بسرای جاودانی شتافت.

شادروان دکتر اسفندیاریگانگی از خاندانهای نیکنام و سرشناس و از خدمتگزاران صمیمی و صدیق کشور و مورد احترام و اعتماد فراوان مردم بود. (صحیح است) او مردی فوق العاده خلیق و مهربان خیر و نیکو کار و دارای صفات حمیده انسانی بتمام معنی آراسته و با فضل و تقوی و شخصی بود که سالها باید بگذرد تا مادرگیتی چون او فرزندی بزاید (صحیح است)

فقید سعید در راه خدمت بخلق و خصوصاً در راه عمران و آبادی کشور عشق میورزید و در طول شصت و چند سال عمر خود خدمات مهمی باین سرزمین نمود که آثار ثمر بخش آن سالیان دراز در نقاط مختلف مملکت باقی و برقرار خواهد بود.



مرحوم دکتر اسفندیاریگانگی تحصیلات عالی خود را در رشته اقتصاد در امریکا پایان رسانیده و در این رشته صاحب نظر و دارای تألیفات ارزنده نیز بود. وی چهارده دوره متوالی، از دوره بیستم تا دوره جاری از طرف زرتشتیان بسمت نماینده مجلس شورای ملی انتخاب شد و در تمام مدت نمایندگی خویش با کوشش و جدیت و پشتکار فراوان و در نهایت صفا و صداقت وظیفه ملی خود را ایفا میکرد و بهم میهنان و همکیشان خود خدمت می نمود (صحیح است)

ضایعه درگذشت آن همکاریکه اکنون جای او در میان ما خالی است موجب تأثر و تأسف شدید و عمیق همه ماست و هیچگاه یاد آن دوست از دست رفته از خاطر همکارانش محو نخواهد گردید.

اینک با قلبی اندوهناک این ضایعه اسف انگیز را بتمام دوستان و همکاران و بازماندگان و مخصوصاً همسر و فرزندان آن جنت مکان صمیمانه تسلیت گفته و بروان پاکش درود میفرستیم و در حال قیام یک دقیقه سکوت اعلام میکنم (احسنت)

(در این موقع حضار در حال قیام یک دقیقه سکوت نمودند.)

۱۰- مرگ

سرانجام زندگی این مرد نامی فرا می رسد. بیماری قند، خرمن زندگی را درو کرد. چند سال پیش بر اثر ناراحتی های حاصله از این بیماری پایش را قطع کردند برای درمان راهی دیار فرنگ شد. اما چنانکه همگان آگاهند، در آغاز پاییز این سال درگذشت.

پیکر بی جان از فرودگاه مهرآباد، با تشریفات مشایعت شد، وی را در «کاخ فیروزه» آرامگاه زرتشتیان به خاک سپردند.

روانش شاد باد. نامش همیشه زنده و جاودان باد.

